وریا غفوری، باز هم در مسابقه با صداوسیما برنده شد

قاتی بازی با اعتبار صدا و سیما!

گروه فرهنگی – فخری سادات مسچی: حذف نام کوچک «وریا غفوری» در برنامه خندوانه آن چنان کار احمقانه ای بود که هیچکس حاضر به پذیرش آن نیست و همه سعی دارند به نوعی مسئولیت آن را از دوش خود بردارند. اینکه یک رسانه پرمدعا این چنین گرفتار رفتارهای دور از شان و غیر منطقی می‌شود و تا به این اندازه «مخاطب» را به هیچ می‌گیرد، بازگو کننده معضلی است که صدا و سیما سالهاست به آن مبتلاست و به مرو آن چنان مرجعیت رسانه ای خود را از دست داده است که در حال حاضر با همه بودجه، امکانات و سابقه خود در حد صفحه یک سلبریتی در اینستاگرام هم اعتبار ندارد!

سوء مدیریت در صدا و سیما بیداد می‌کند. سالهاست که مدیران این رسانه اصولا درکی از مدیریت رسانه ندارند. از سوی دیگر نگاه جناحی و سیاست زده در سطح بالای این رسانه باعث شده که عموم مردم با روگردانی از این رسانه انحصاری در داخل کشور، به سوی شبکه‌های بیرون کشور یا فضای مجازی رو بیاورند و اخبار و تحلیل‌های صدا و سیما حتی نتواند اقلیتی را که هنوز به صداو سیما توجه دارند، راضی کند. داستان حذف نام وریا غفوری البته پیش از خندوانه نیز باعث شده بود صدا و سیما مورد تمسخر مردم واقع شود؛ زمانی که عکس کاپیتان استقلال از دکور یکی از برنامه‌های صدا و سیما حذف شد و پس از آن فرهاد مجیدی به این رفتار اعتراض کرد، مردم نکته سنج کلیپی را برای هم می‌فرستادند که در آن صحنه‌های بازی وریا غفوری در تلویزیون را به شوخی گرفته بود؛ اینکه به جای وریا در زمین فوتبال یک آباژور قرار داده شده بود که می‌دوید و گل می‌زد! همه گیری این قبیل شوخی‌ها نشان می‌داد که آنکه برنده دوئل وریا و صدا و سیماست مسلما وریا غفوری است. حالا ولی آبروریزی تغییر نام کوچک «وریا» در خندوانه نشان داد که عبرت و عقلانیتی وجود ندارد. رفتار مدیران و تجربه برنامه سازان و ناظران پخش از ایرادهای عجیب به اندازه ای است که آنها ترجیح می‌هند خود دست به اقداماتی بزنند که باعث بی اعتباری بیشتر می‌شود. در میان باید این را هم در نظر داشت که صداو سیما آنقدر که بر حذف نام وریا غفوری اصرار دارد، بر گاف‌هایی که به بی اعتباری این سازمان می‌افزاید کاری ندارد. در همین ماه‌های اخیر دو مورد عجیب در برنامه‌های این سازمان وجود داشته که در هر رسانه دیگری چنین می‌شد، باعث تغییر و تحولات بسیار برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی می‌شد اما صدا و سیما فقط به توجیه آن پرداخت: اولین موضوع فارسی صحبت کردن مهمانی بود که او را به عنوان یک کارشناس هندی دعوت شده بود؛ و مورد دوم صداگذاری بر روی یک فیلم قدیمی مربوط به کریس رونالدو بود. علی رغم اینکه این موارد باعث شد که رفتار سازمانی عریض و طویل به شدت زیر سوال برود اما در این سازمان کسی به فکر تغییر نیفتاد و همین است که خیال بقه اهالی این رسانه را راحت کرده که هر گونه رفتاری – مثل همین آبروریزی خندوانه – اصلا برای مدیران این سازمان اهمیتی ندارد!

با این حال رامبد جوان – که احتمالا فکر می‌کند می‌تواند هم مردم را داشته باشد و هم مدیران سازمان را – بعد از افشای این خطای بزرگ، در کلیپی سعی کرد موضوع را به نوعی ماست مالی کند؛ غافل از اینکه با این گونه عذرهای بدتر از گناه، دقیقا همچون مدیران صدا و سیما در قبال گاف‌های سابق عمل می‌کند. اینکه از ترس واکنش‌های بعدی، خود دست به کار شوی و چنین توهین بزرگی به مخاطبان بکنی، نشان می‌دهد که متاسفانه طرز فکر تهیه کننده و کارگردان برنامه خندوانه هم دست کمی از مدیران سازمان ندارد و خداوند، در و تخته را بهم خوب جفت کرده است. رامبد جوان در ویدیوی خود گفت: «دیشب در مسابقه قاطی‌بازی خندوانه اسم وریای عزیز توسط کامران عزیز نوشته شد و من همان‌جا به شک افتادم که اگر قرار باشد که در پخش دچار اشکال شده و مجوز پخش نگیرد، امتیازها در مسابقه به هم می‌ریزد و مسابقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با مشورت خود شرکت‌کننده‌ها به این نتیجه رسیدیم نام وریای عزیز را پاک کنیم، اسم دیگری بنویسیم تا مسابقه دچار اشکال نشود وگرنه وریا عزیز ماست. همه فوتبالیست‌ها عزیز ما هستند و ما هیچ قصد توهین و بی‌حرمتی به هیچ‌کسی نداریم. از طرفداران وریا عذر می‌خواهیم، هم‌چنین خود وریای عزیز.»

جالب اینجاست که بعد از توضیحات رامبد جوان، شبکه نسیم با انتشار اطلاعیه‌ای این رویکرد را به «سلیقه و نظر تیم تولید برنامه» مربوط دانست. در متن این اطلاعیه که توسط روابط عمومی شبکه آمده است: «در پی رویداد پخش شده در مسابقه «قاتی بازی» در برنامه خندوانه شب گذشته ، پنجشنبه ۲۳ تیرماه، به اطلاع مخاطبان گرامی و فهیم شبکه نسیم می‌رسانیم که این شبکه هیچ گونه محدودیت و ممنوعیتی در پخش اسامی فرد خاصی نداشته و تصمیم اتخاذ شده، سلیقه و نظر تیم تولید برنامه «خندوانه» بوده و هیچ گونه ارتباطی با سیاست‌های سیما و شبکه نسیم ندارد.» نکته مهم دیگر این است که وریا غفوری واکنشی در خصوص این رفتار بچگانه نداشته است و همین نشان از پختگی او می‌دهد. این داستان فقط باعث توجه بیشتر افکار عمومی به او و چرایی رویارویی او با صدا و سیماست. بدون شک یکبار دیگر در بازی تازه صداو سیما یا خندوانه، وریا غفوری پیروز شد؛ و حالا هم رامبد جوان باید با سرافکندگی با خندوانه خداحافظی کند و هم صدا و سیما یکبار دیگر تجربه تلخ گذشته خود را مزمزه کند و بالندگی وریا غفوری را تماشا کند.

اسماعیل شنگله، کارگردان و بازیگر پیشکسوت سینما درگذشت

خداحافظی با رفیق داود رشیدی

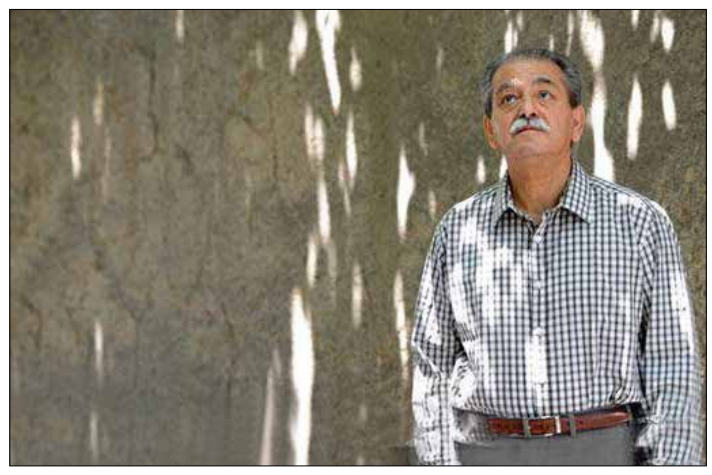

اسماعیل شنگله، کارگردان، بازیگر، مترجم و از اساتید برجسته بازیگری در دانشکده هنرهای دراماتیک، شامگاه ۲۵ تیرماه و در سن ۸۶ سالگی بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. او از دهه ۸۰ دیگر در سینما بازی نکرده بود اما در کارنامه کاری‌اش فیلم‌های «عروسک فرنگی»، «گاهی به آسمان نگاه کن»، «بانوی کوچک»، «آبی»، «پارتی»، «سام و نرگس»، «سگ کشی» و «دایره مینا» ثبت کرده است.

اگرچه در برخی منابع «دایره مینا» به کارگردانی داریوش مهرجویی نخستین فیلم سینمایی او معرفی می‌شود، اما خودش تعریف کرده بود که سال ۱۳۳۸ اولین فیلمش با کارگردانی یک جوان فرانسوی بر اساس یکی از داستان‌های صادق هدایت و با همراهی رفیع حالتی ساخته شد ولی این فیلم را نه خودش دید و نه هیچ کس دیگر.

او سال ۱۳۱۵ در تهران متولد شد و تئاتر را از سال ۱۳۳۲ آغاز کرد و در سال ۱۳۳۵ وارد هنرستان هنرپیشگی شد. شنگله که تحصیلات خود را در دبیرستان‌های ناصرخسرو، اقبال، دارالفنون و رشدیه گذرانده بود، از سال ۱۳۳۲ و با عضویت در جامعه باربد کار تئاتر را آغاز کرد و بعد در سال ۱۳۳۵ وارد هنرستان هنرپیشگی شد. او لیسانس کارگردانی خود را از آکادمی هنرهای نمایشی وین دریافت کرد.

از این هنرمند سریال‌ها و نمایش‌های تلویزیونی زیادی باقی مانده که او به عنوان بازیگر، کارگردان یا تهیه‌کننده در آن‌ها حضور داشته است.

برخی از تله تئاترهای او مثل «غرور زندگی»، «پزشک دهکده کوکونیان»، «بعد از سی سال»، «ماه‌پنهان است»، «قضیه رابرت اپنهایمر» و «قضیه رابرت اپنهایمر» به کارگردانی علی نصیریان، خسرو شایسته، محمود عزیزی و تاجبخش فنائیان بوده است.

رضا بابک و مرضیه برومند از شنگله گفتند

مرضیه برومند و رضا بابک همزمان با درگذشت اسماعیل شنگله از این بازیگر قدیمی سخن گفتند.

این دو هنرمند که سال‌ها قبل در تئاتر و تئاترهای تلویزیونی با شنگله همکاری داشته‌اند، از او به عنوان هنرمندی تلاش‌گر یاد کردند که همواره در کنار فرهنگ و هنر بوده است. درگذشت شنگله در سالروز تولد داود رشیدی و همکاری‌های متعدد این دو هنرمند سبب شد که برومند و بابک از رشیدی هم یاد کنند.

برومند در جملات کوتاهی به ایسنا می‌گوید: اسماعیل شنگله، انسانی بسیار خوب و همیشه یاری‌گر فعالیت‌های فرهنگ و هنری بود. در زمینه تله تئاتر بسیار فعال بود و متاسفم که جایش در فعالیت‌های فرهنگ و هنر ما خالی شد.

او که خواهر همسر داود رشیدی است، از دوستی دیرین شنگله و رشیدی هم یاد می‌کند: دوستی بسیار همراه و همدل بود. تا آخرین روزهای زندگی آقای رشیدی در کنار خانواده ما بود. شگفت‌انگیز که روز تولد آقای رشیدی هم از دنیا رفت. امیدوارم در آن جهان هم کنار هم باشند، باز هم با هم نمایشنامه‌های تازه ترجمه کنند و باز هم با هم کار کنند.

اما رضا بابک که زمانی دانشجوی شنگله بوده و بعدتر با او دوستی و رفاقت پیدا کرده است، نیز سال‌های آغازین آشنایی خود را با او یادآوری می‌کند: دانشجو بودم که در سالن تئاتر موزه ایران باستان، نمایش «کلمپ» را دیدم که آقای شنگله کارگردانی کرده بود و بزرگانی همچون آقایان نصیریان و انتظامی و خانم عصمت صفوی در آن بازی می‌کردند. کار درخشانی بود.

او که در دوره طلایی دانشکده هنرهای زیبا در این دانشکده درس تئاتر خوانده است، ادامه می‌دهد: فکر می‌کنم ایشان یک ترم استاد ما بودند اما بعدتر با هم دوست و همکار شدیم و دوستی عمیقی بین ما شکل گرفت و بسیار به هم علاقه‌مند بودیم. او نمایشنامه‌های بسیار خوبی را ترجمه کرده بود. بسیار باسواد و بر رشته هنری خود مسلط بود. یادم می‌آید زمانی هر دو ما در کاری بازی می‌کردیم. آقای شنگله آنچنان اطلاعات دقیقی از آن نمایشنامه و اجراهایش داشت و مدام تصاویر متعددی از اجراهای مختلف آن نمایش در اختیار گروه می‌گذاشت که شناخت همه ما را نسبت به آن کار بیشتر کرد. اصولا در زمینه سینما و تئاتر تشخیص بسیار خوبی داشت.

رضا بابک که همراه تعدادی دیگر از دوستان خود در دوره مدیریت داود رشیدی در واحد نمایش تلویزیون ، فعالیت خویش را در حوزه تله تئاتر آغاز کرده است، یادآوری می‌کند: آقای شنگله با آقای رشیدی ارتباطی نزدیک داشت و در زمینه ساخت تله تئاتر بسیار همراه بود. او یکی از بانیان ساخت تئاترهای تلویزیونی بود و خودش هم در این زمینه فعالیت تاثیرگذاری داشت. این هنرمند که می‌گوید همواره به همکاری با شنگله علاقه‌مند بوده است، در این باره توضیح می‌دهد: او بسیار دانا بود و شناخت وسیعی از زندگی و هنر داشت و این ویژگی سبب می‌شد که همکاری و دوستی با او لذت‌بخش باشد.

رضا بابک که از درگذشت شنگله بسیار غمگین است، می‌گوید: بسیار متاسفم و از همین جا به خانواده ایشان، خانواده تئاتر و سینما تسلیت می‌گویم. یادش همواره خوش باشد.

رضا کیانیان:

حمیدرضا صدر هنوز زنده است!

پانته آبهرام، رضا کیانیان، غزاله صدر، عباس یاری و... از جمله سخنرانان‌های بزرگداشت زنده‌یاد حمیدرضا صدر (نویسنده، منتقد سینما و مفسر فوتبال) بودند.

به گزارش خانه هنرمندان ایران، مراسم سالگرد درگذشت حمیدرضا صدر نویسنده، منتقد سینما و مفسر فوتبال شامگاه جمعه ۲۴ تیر در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در ابتدای این مراسم پانته‌آ بهرام بازیگر روی صحنه آمد و بیان کرد: صحبت کردن درباره حمیدرضا صدر هم سخت و هم آسان است. حمیدرضا صدر شبیه موجودی بود که دست‌های زیادی داشت؛ با یک دست نقد، با یک دست رمان، با یک دست کتاب و... می‌نوشت. قبل از اینکه به اینجا بیایم به این فکر می‌کردم که چه بگویم؟ نمی‌دانم شما به نشانه‌ها اعتقاد دارید یا نه، اما در همان لحظات پیش، خودم از حمیدرضا می‌خواستم که خودش به من بگوید امروز در این مراسم چه بگویم؟ ناگهان به کوچه‌ای رسیدم که نامش شهید حمید صدر بود و فکر کردم حمیدرضا نشانه را به من داد؛ اولین تصویری که از ذهنم گذشت پاره‌ای در فیه ما فیه مولانا بود که در آن آمده بود «حقیقت آینه‌ای بود که از آسمان افتاد، به تکه‌های مختلف تقسیم شد، هر کسی تکه‌ای از آن را برداشت، خودش را در آن تکه آینه دید و فکر کرد حقیقت را دیده است، در حالی که هر تکه از حقیقت دست هر کدام از ماست» ماهیت حمید چیزی شبیه همین است که در ذهن من نقش بسته؛ انگار یک تکه از عشق روی زمین افتاد، هر کدام پاره‌ای از وجود او را دریافت کردیم و به همان اندازه از او می‌دانیم.

حمید و تجربه «زیستن» با چگالی بالا

بهرام در ادامه مطرح کرد: آشنایی من با حمید به سبب سینما بود ما درباره فیلم، بازیگری و... با یکدیگر صحبت می‌کردیم، بنابراین می‌توانم بگویم آن پاره‌ای از حمید که دست من است، آنقدر عشق و مهر دارد که گفتنی نیست. او هیچ‌وقت از کلمات منفی و خشن استفاده نمی‌کرد، او برای من یک فیلسوف بی‌ادعا بود، گرچه مرگ‌اندیش اما مثبت‌اندیش هم بود. حمیدرضا صدر مرگ را در پیش می‌دید و همین باعث می‌شد همه توجه ما را به خود جلب کند. فکر می‌کنم انتخاب‌های او فوتبال و سینما بود؛ این انتخاب‌ها جمعی‌ترین هنرها هستند. از نظر من فوتبال هنر است. او ضمن اینکه تنهایی را دوست داشت عاشق جمع هم بود و این تضاد از حمیدرضا صدر موجود ویژه‌ای می‌ساخت. من به حمیدرضا خیلی حسادت می‌کردم چون اینکه بتوانی از جمیع جهات این‌همه محبوب باشی، حسادت‌برانگیز است، اینکه زیستن را با چگالی بالا تجربه کنی، حسادت برانگیز است. من هیچ پرسونای دیگری در زندگی ندیده‌ام که همزمان هم معروف و هم دوست‌داشتنی باشد. حداقل من کسی را تا این اندازه عمیق و جاری نمی‌شناسم. او آنقدر به مرگ پیله کرد که در نهایت مرگ را شکست داد. فقط می‌توانم بگویم حمید نمرد.

کتاب صدر غم‌نامه نیست فتح‌نامه است

سپس رضا کیانیان روی صحنه آمد و اظهار کرد: من فکر می‌کنم حمیدرضا صدر هنوز زنده است، باور نمی‌کنم رفته باشد. آن روزهایی که داشتم کتاب «از قیطریه تا اورنج کانتی» را می‌خواندم درست زمانی بود که نزدیک‌ترین دوستم در کنارم همین مراحل را طی می‌کرد، من می‌خواندم و شبش همان اتفاقات موجود در کتاب را می‌دیدم، تمام مراحلی که آقای صدر با جناب کارسینوما طی کرد ما دیدیم. کارسینوما همان غده‌ای است که در همه جای بدن پخش می‌شود، این را در طول زندگی دوستم؛ داوود امیری هم دیدم.

وی افزود: این کتاب اصلاً شبیه غم‌نامه نیست بلکه شبیه فتح‌نامه است، به نظرم حمید و داوود امیری کارسینوما را با مرگ شکست دادند و مسخره‌اش کردند. چه کسی می‌تواند وقتی سرطان تمام وجودش را گرفته است، غمگین نباشد؟ ولی چرا یک نفر تا آن لحظه آخر مقاومت می‌کند؟ داوود دوست من تا دو روز آخر داشت ورزش می‌کرد. راستش با دیدن این دو نفر یاد بابک خرمدین هم افتادم که به دار شد، آنقدر آنجا ماند که تمام پرندگان بدن او را خوردند. سوال این است که آیا بابک خرمدین شکست خورد یا خلیفه عباسی که او را به دار کرد؟ به نظرم خلیفه عباسی شکست خورد. کارسینوما شبیه خلیفه شد و صدر شبیه خرمدین. من هیچ‌وقت فکر نمی‌کنم حمیدرضا صدر مرده است، برای داوود هم، چنین تصوری دارم. هر کجا می‌روم نشانه‌های این عزیزان را می‌بینم.

۳۶۵ روز است که دستان گرمت را نگرفته‌ایم

سپس غزاله صدر فرزند حمیدرضا صدر پشت تریبون قرار گرفت و به قرائت متنی برای حاضران در مراسم پرداخت: «برای تو می‌نویسم پدر که حالا یک سال است کنار ما نیستی، برای تو که ۳۶۵ روز پیش تن خسته‌ات را رها کردی و به آسمان پر کشیدی، برای تو که سه سال با دل و جان با دشمنت جنگیدی و آن همه سوزن و شیمی‌درمانی را به جان خریدی. حالا ۳۶۵ روز است ما دستان گرمت را نگرفته‌ایم و صورت ماهت را نبوسیده‌ایم، حالا یک سال است میان نور و ستارگان و ابرها به دور از رنج و بیماری هستی ولی ما دلتنگت هستیم. من و مامان در جای جای خانه تو را می‌بینیم، هر کجا می‌رویم تو به فکر ما می‌آیی، ما روزها و شب‌ها را با خاطرات تو سر می‌کنیم و ساعتی نیست از تو حرف نزنیم، ما هنوز با تو زندگی می‌کنیم. از تو برای همه چیز ممنونم، برای تمام زحماتی که برای ما کشیدی برای همه چیزهایی که به من یاد دادی، برای تصمیماتی که گرفتی، برای آنکه سه سال با هیولا جنگیدی. از تو ممنونم که بهترین پدر دنیا بودی گرچه خودت می‌گفتی پدر خوبی نبوده‌ای اما برای من سراسر خوبی بودی. خانواده سه نفره ما با وجود تو خوشبخت بود حالا اما خانواده ما بدون تو کوچک‌تر هم شده است، ما بدون تو دیگر شکلی نداریم. من هرگز رهایت نخواهم کرد. ما به تو افتخار می‌کنیم که سراسر خوبی بودی، هرگز منافع شخصی را ترجیح ندادی، به تو افتخار می‌کنیم به تو که تنها وصیتت این بود که پس از مرگ بدنت را به تحقیقات پزشکی تقدیم کنی، گفتی می‌خواهی به درمان سرطان کمک کنی. درست است که این کار متاسفانه انجام نشد، اما ما به همین تصمیمت افتخار می‌کنیم. تو نمره‌ای، تو از هر زنده‌ای زنده‌تری و همیشه در قلب ما می‌مانی.»

وقتی صدر مقابل فردوسی‌پور می‌نشست

در ادامه این مراسم امیر حاج رضایی کارشناس فوتبال به صحنه آمد و گفت: با آقای صدر از طریق نوشته‌های او آشنا شدم، همواره دوست داشتم او را ببینم و وقتی در هفته‌نامه «تماشاگران» مطلبی از او خواندم از طریق همکارانش متوجه شدم حمیدرضا صدر با فوتبال هم آشناست، پس مثل گمشده‌ای در جست‌وجوی او بودم. خوشبختانه حمیدرضا صدر به تلویزیون آمد، وقتی برای اولین‌بار حمیدرضا صدر را دیدم به او گفتم چقدر خوب شد به تلویزیون آمدی.

وی اظهار کرد: در دوره‌های مختلف جام جهانی، در مسابقات، در رونمایی از کتاب‌ها و... کنار ایشان بودم. روزی آقای صدر به من گفت من عمر زیادی نمی‌کنم که من او را سرزنش کردم، اما نمی‌دانستم چه چیزی در کمین زندگی اوست. حمیدرضا صدر مرگ‌اندیش بود در حالی که زندگی را عمیقاً دوست داشت، گاهی در میان صحبت‌ها به این پایان اشاره و درباره آن صحبت می‌کرد. زمانی که در تلویزیون مقابل فردوسی‌پور می‌نشست یک پینگ‌پنگ کلامی جریان پیدا می‌کرد و مخاطبان فوتبال واقعی را می‌دیدند.

این کارشناس فوتبال عنوان کرد: حمیدرضا صدر تسلط زیادی به فوتبال به ویژه فوتبال انگلستان داشت؛ به‌طوری که بازیکنان همه تیم‌ها حتی تیم‌های گمنام انگلیس را می‌شناخت و ما در حیرت می‌ماندیم. او در برنامه‌های تلویزیونی آن شوریدگی‌اش را به میلیون‌ها ایرانی که پای تلویزیون نشسته بودند، منتقل می‌کرد. آقای صدر تو حالا در آسمان‌ها هستی از یک جای خوب با آن روح بلندت ما را می‌بینی. تو به من گفتی تا فوتبال هست می‌شود ادامه داد، پس چگونه شد که ادامه ندادی؟ اندوه سفرت هنوز با من هست.

حاج رضایی اظهار کرد: آقای صدر در برنامه‌های ما نقش اساسی داشت. ادبیات، دانش گسترده، صداقت و مردم‌دوستی او به ما کمک کرد، او به مفهوم واقعی عاشق بود و همیشه می‌گفت طرفدار تیم‌های ضعیف است و دوست دارد آنها ببرند. بعدها در ماهنامه فیلم امروز مطلب آقای طالبی‌نژاد را خواندم که گفته بود حمیدرضا صدر ورای تسلط به حوزه فوتبال و سینما، یک نویسنده واقعی بود. آن قلم شیوا و آن واپسین کتابش برای من دردناک بود. میراث آقای صدر باقی مانده و آن کتاب‌هایی است که در حوزه فوتبال نوشته و از این طریق به فرهنگ فوتبال ایران کمک کرده است.

ادبیاتی که صدر به تلویزیون اضافه کرد

رضا جاودانی مجری برنامه تلویزیونی دیگر سخنرانی بود که به صحبت درباره حمیدرضا صدر پرداخت، وی گفت: هنوز باورم نمی‌شود استاد صدر در کنار ما نیست. آشنایی من با او از سال ۲۰۰۴ آغاز شد، حمیدرضا صدر مرد فوق‌العاده‌ای بود، آنقدر در برنامه‌های تلویزیونی پرشور بود که هنوز مردم به ما پیام می‌دهند و می‌گویند جای دکتر صدر خالی است، او با کلام شیرین خود جادو می‌کرد.

او مطرح کرد: حمیدرضا صدر تاریخ دیگری را برای ما آورد مثلاً همه چیز را با تاریخ رویدادهای فوتبالی یادآوری می‌کرد. ضمن اینکه ادبیات دیگری را به تلویزیون اضافه کرد، یک شیرینی و یک هیجان را به تلویزیون آورد؛ به‌طوری که همیشه عادت داشتیم با هیجان و روحیه فوق‌العاده‌اش او را ببینیم. حمیدرضا صدر فوتبال را خودِ زندگی می‌دانست، من اما از او گله دارم که زود ما را رها کرد و رفت و این گله همیشه باقی می‌ماند.

او وقار و شأن را به فوتبال و سینما داد

در پایان این مراسم عباس یاری پشت تریبون قرار گرفت و گفت: حمیدرضا صدر کسی بود که وقار و شان را به فوتبال و سینما داد و جایگاه برجسته‌ای را با قلم خود به همراه آورد. من هر وقت به تحریریه مجله، به سینما و به تئاتر می‌روم، نشانه‌های او را می‌بینم. پیاده‌روهای این شهر گواهی می‌دهند که او چقدر به مخاطب و کسانی که می‌دید انرژی می‌داد. حمیدرضا صدر آنقدر از خودش انرژی به جا گذاشته است که هنوز در کنار ما هست، با روح و منش و کلام خود در کنارمان هست. او گرفتار بدترین نوع سرطان شده بود اما به خاطر این انرژی مثبتی که داشت سه سال دوام آورد، حمید در قلب همه ما هست. رضا کیانیان، محسن امیر یوسفی، هوشنگ گلمکانی، عباس یاری، پانته‌آ بهرام، امیر حاج رضایی، تهمینه میلانی، مجتبی میرطهماسب، امید روحانی، احمد امینی، ابوالحسن داوودی، رضا جاودانی، پژمان راهبر و جمعی از دوستداران و علاقه‌مندان به زنده‌یاد حمیدرضا صدر در این مراسم حضور داشتند. حمیدرضا صدر روز ۲۵ تیر ۱۴۰۰ بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

گزارش

تخریب در دانشکده ادبیات تهران!

گچ دیوار را شکافته‌اند، به آجرهای قدیمی رسیده‌اند. در سقف، لایه چوبی آشکار شده است، در گوشه‌ای از ساختمان الوارهای چوبی، لامپ‌ها و بقایا و دیگر ضایعات این خرابی رها شده است. در سمت دیگری میلگردها علم شده‌اند؛ این اوضاعِ بخشی از ساختمان تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است. به گزارش ایسنا، هفته گذشته تعدادی از دانشجویان و اساتید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران عکس معترضانه‌ای را در فضای مجازی به اشتراک گذاشتند که از تخریب بخشی از فضای این ساختمان حکایت می‌کند، از ظواهر امر برمی‌آید انگیزه این خرابی، مقاوم یا استحکام‌سازی بنا باشد، آنچنان که قبلا هم در دانشگاه تهران سابقه داشته است. پیگیری از دانشجویان و اساتیدی که در ساختمان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آمدوشد دارند نیز به این اظهارات رسید که مدتی است بخش پژوهش دانشکده ادبیات و علوم انسانی به این وضع و حال افتاده است. گمان آن‌ها بر این است که این بخش از ساختمان درحال بازسازی است. یکی از دانشجویان مقطع دکتری از همین دانشکده می‌گوید: مشکلات دانشکده ادبیات و علوم انسانی به قدری زیاد است که بازسازی و نوسازی، آن هم به این شکل، شاید آخرین نیازی باشد که باید به آن بپردازیم.

مجموعه دانشگاه تهران در ۱۸ آبان ماه ۱۳۷۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیز یکی از قدیمی‌ترین دانشکده‌های دانشگاه تهران است که تاریخ فعالیت آن به سال ۱۲۹۶ مستند شده است. بنابراین هرگونه تغییر، مرمت، ساخت‌وساز، بازسازی، استحکام‌بخشی و هر اقدام دیگری در آن، به استعلام میراث فرهنگی و نظارت این بخش نیاز دارد. در غیر این صورت، خلافِ قانون اقدام شده است و جرم محسوب می‌شود. دانشگاه تهران در سال‌های گذشته بارها بدون استعلام و نظر میراث فرهنگی به تخریب، ساخت‌وساز و بازسازی در این مجموعه دست زده است؛ در زمستان سال ۱۳۹۷ در زیر پلکان جنوبی دانشکده پزشکی، جایی که لوح بنای دانشگاه تهران قرار داشت به نام مرمت، گودبرداری شد. یک سال قبل از آن هم بخش جنوبی دانشکده پزشکی درحال مرمت بود که اداره میراث فرهنگی تهران اعلام کرد: پیمانکار بدون دریافت مجوز از میراث استان تهران وغیرقانونی این مرمت را انجام داده است. روزهای پایانی سال ۱۳۹۵ نیز بخشی از خیابان ۱۶ آذر در تهران بسته شد تا جرثقیل‌ها بدون مزاحم کار کنند و یک طبقه به ساختمان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران اضافه شود. ناصر پازوکی - باستان‌شناس و مدیر اسبق اداره میراث فرهنگی استان تهران ـ آن روزها، در واکنش به این اقدام متذکر شده بود که دانشگاه تهران به‌عنوان یک بنای تاریخی در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است و هرگونه مداخله در این بنای تاریخی باید با نظارت و هماهنگی سازمان میراث فرهنگی باشد، چون هر نوع مداخله حتی جزیی، ساخت‌وساز و اضافه کردن یک بخش کوچک به این بنای تاریخی، ممنوع و کاملا خلاف قانون است. این باستان‌شناس همچنین یادآوری کرده بود: زمانی در بخشی از فضای داخلی دانشگاه و پشت مسجد را گودبرداری کردند، سازمان وقت میراث فرهنگی از مسؤولان دانشگاه شکایت کرد و آن‌ها تعهد دادند که دیگر هیچ ساخت‌وسازی در محدوده این بنای تاریخی با ارزش انجام نشود. دانشگاه تهران یک بار دیگر هم بدون مجوز میراث فرهنگی به استحکام بخشی ساختمان یکی دیگر از دانشکده‌های خود دست زده بود، در پاییز سال ۱۳۹۵ در طبقه اول دانشکده حقوق و علوم سیاسی تابلوی ورود ممنوع نصب شده بود و کارگران مشغول کار بودند. وضعیت آن‌جا هم تاحدی شبیه حال امروز دانشکده ادبیات و علوم انسانی است. کارگران با کلنگ به جان گچ دیوارها و سقف افتاده بودند، لایه اول سقف برداشته شده و تیرهای چوبی نمایان بود که میراث فرهنگی اعلام کرد عملیات استحکام بخشی در دانشکده حقوق بدون تایید و استعلام میراث فرهنگی بوده و بعد هم پروژه را متوقف کرده بودند تا ناظر میراث فرهنگی مستقر شود. وضعیت ساختمان دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیز اکنون مبهم است، اگرچه دانشگاه تهران بارها بر لزوم استحکام‌بخشی ساختمان‌های این دانشگاه تاریخی تاکید کرده، اما با توجه به آن‌که این مجموعه در فهرست آثار تاریخی ثبت ملی شده است، ضرورت دارد آنچنان که در ماده ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی تاکید شده» هر گونه ساخت‌وساز در حریم بناهای متعلق به میراث فرهنگی و تاریخی کشور با مجوز سازمان میراث فرهنگی و تحت نظارت کارشناسان آن انجام شود، « پیش از هر اقدامی دانشگاه تهران از میراث فرهنگی استعلام گرفته و نقشه‌های پروژه را باید در شورای فنی اداره کل به بررسی رسانده‌باشد.

اخبارکوتاه

طنین موسیقی آذربایجان در تالار وحدت

ارکستر آلنام به همراه گروه کر باریش، سوم مرداد ماه با نواختن موسیقی آذربایجانی در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، موسیقی آذربایجانی، توسط گروه ارکستر آلنام به همراه گروه کر باریش، سوم مرداد ماه ساعت ۲۱:۳۰ به رهبری وحید علی‌پور و خوانندگی ودود موذن و مسعود امیرسپهر در تالار وحدت اجرا می‌شود. در این کنسرت، محمدرضا عرفانی سولیست کمانچه و دانیال جورابچی کنسرت مایستر هستند و تنظیم قطعات را ذاکر اسد اف و جواد آبراهان برعهده دارند. همچنین رضا نباهت، نوازنده ناقارا و فرهاد دلشادی، نوازنده سازکوبه‌ای این اجرا هستند. دیگر نوازندگان گروه آلنام عبارتند از جواد آبراهان (پیانو)، مینلی دانلیان (کلارینت)، غزاله میرزازاده (فلوت)، دانیال جورابچی، مونیکا لران، عرفان شریف‌زاده، آذین نصرتی، سارا نادری، کیانا آرامش، سنا معزز و غزاله صحرانورد (ویلن ۱)، بهراد سوخکیان، احسان شامی، موژان میرزائی، ساناز نوربخش، محمدعلی غریبی، مهرنوش جوادزاده، محمد سیفید و ژنوس عزت‌پناه (ویلن ۲)، الهام عادلی‌زاده، اشکان نظر، منیژه ساده و نیاز لاهرودی (ویلن آلتو)، محمدحسین غریبی، کورش کشاورز، شهرزاد مجد، زهرا ساجدی و محیا نامداری‌مقدم (ویلن سل)، پروانه انارکی و عادل اصغرزاده (کنترباس).

علاقه‌مندان می‌توانند بلیت این کنسرت را از سایت ایران کنسرت تهیه کنند.

کوین اسپیسی تبرئه شد

کوین اسپیسی در دادگاهی از اتهامات مرتبط با تجاوز جنسی مربوط به ۱۷ سال پیش تبرئه شد. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، این بازیگر ۶۲ ساله روز برای بررسی چهار مورد اتهام تجاوز جنسی در دادگاهی در شهر لندن شرکت کرد و در همه موارد از سوی دادگاه بی گناه شناخته شد. این برنده دو جایزه اسکار قبلاً گفته بود که اتهامات این سه مرد را که اکنون در سنین ۳۰ و ۴۰ سالگی قرار دارند، به شدت رد می‌کند. پس از انتشار خبر مطرح شدن اتهامات اخلاقی جدیدی از سوی سه مرد در بریتانیا علیه «کوین اسپیسی» که مربوط به سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۳ است، این بازیگر اعلام کرد که برای دفاع از خود به صورت داوطلبانه در دادگاه حاضر می‌شود. «کوین اسپیسی» در حالی در دادگاه حضور یافت و سرانجام از اتهامات تبرئه شد که اخیرا از بازی در نقش اصلی فیلمی درباره چنگیز خان کنار گذاشته شد. این بازیگر قرار بود در فیلم «۱۲۴۲: دروازه‌ای به غرب» نقش‌آفرینی کند اما اخیرا ورایتی گزارش داده که بازیگر دیگری جایگزین «اسپیسی» شده است. نخستین بار در سال ۲۰۱۷، «آنتونی رپ» بازیگر فیلم «پیشتازان فضا» مدعی شد «کوین اسپیسی» در سن ۱۴ سالگی او را مورد تعرض قرار داده و «کوین اسپیسی» بازیگر برنده دو جایزه «اسکار» برای فیلم‌های «مظنونین همیشگی» و «زیبای آمریکایی» به همراه یک جایزه تونی و ۱۲ نامزدی جایزه امی را در کارنامه دارد، در نتیجه این اتهامات به بی‌کارترین بازیگر هالیوود تبدیل شد و کمپانی «MRC» سازنده سریال معروف «خانه پوشالی» نیز همکاری خود را با این بازیگر برنده اسکار قطع کرد و از ساخت فصل جدید این سریال هم منصرف شد. پس از آن ۲۰ مرد دیگر نیز اتهاماتی علیه «اسپیسی» در زمان فعالیت او در تئاتر اولدویک لندن بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ مطرح کردند و یک زن نیز در ایالت ماساچوست آمریکا، از او شکایت کرد که در نهایت «اسپیسی» از سوی دادگاه بی گنا